واژه‌نامه توصیفی

رشته Discipline ، چندرشته‌ای Multidisciplinary
میان‌رشته‌ای Interdisciplinary ، حوزه Field

مینو یغمایی، علیرضا منجمی*

مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی/ تیر ۱۴۰۱؛ ۲۲(۱۹): ۱۴۲ تا ۱۴۳
DOI: 10.48305/22.37

واژه دیسیپلین (Discipline) از کلمه لاتین Disciplina به معنای یاددادن، یاد گرفتن و دانش برگرفته شده است. دیسیپلین به ساختارهای آکادمیک سازمان‌دهی شده، با حدود نسبتاً مشخص، مشتمل بر مجموعه‌ای از اصطلاحات، عناوین و روش‌هایی برای آموزش و پژوهش اطلاق می‌شود. دیسیپلین‌ها عمدتاً توسط اعضای هیأت‌علمی دانشگاه‌ها، مجامع علمی که این افراد در آن عضو هستند و مجلات آکادمیکی که مقالات آنها را منتشر می‌کنند تعریف می‌شود. به عنوان نمونه می‌توان از دیسیپلین‌های جامعه‌شناسی، شیمی و پزشکی نام برد. لیست دیسیپلین‌های کالج‌ها و دانشگاه‌ها پیوسته تغییر می‌کنند. در فارسی واژه «رشته» به عنوان معادل «دیسیپلین» به کار می‌رود.

رشته‌ها توسط افرادی که در مطالعات مربوطه فعالیت دارند و آنها را آموزش می‌دهند و نهادها و ترتیبات اجتماعی که به آنها مجوز می‌دهند و آنها را طبقه‌بندی می‌کنند شکل می‌گیرد. از مهم‌ترین ابهام‌ها در مورد رشته‌ها آن است که کدام حوزه‌ها قابلیت تبدیل به رشته را دارند و ایجاد رشته‌های جدید چه اثری دارند.

کریشنان (Krishnan) مشخصات عمومی رشته‌ها را چنین تعریف می‌کند. البته این بدان معنا نیست که هر رشته باید الزاما تمام این مشخصات را دارا باشد. ۱) رشته‌ها یک موضوع مشخص پژوهشی دارند (مانند قانون، جامعه، سیاست). البته این موضوع ممکن است با رشته دیگری مشترک باشد. ۲) رشته‌ها دارای مجموعه‌ای از دانش تخصصی انباشته‌شده مرتبط با موضوع تحقیق خود هستند، که مختص آن‌ها است و عموماً با رشته‌های دیگر مشترک نیست. ۳) رشته‌ها مفاهیم و نظریه‌هایی دارند که دانش تخصصی انباشته‌ی موجود را به شکل مناسبی سازمان‌دهی می‌کند. ٤) رشته‌ها واژگان تخصصی یا زبان فنی اختصاصی خود را دارند. ٥) رشته‌ها بر اساس نیازهای پژوهشی، روش‌های پژوهشی مختص به خود را ایجاد کرده‌اند و از همه مهم‌تر ٦) رشته‌ها دارای جلوه‌های سازمانی در قالب آموزش دانشگاهی، دپارتمان‌های دانشگاهی، مجلات آکادمیک و انجمن‌های حرفه‌ای مرتبط هستند.

هر چند برخی فیلد (Field) را معادل رشته میدانند. برای «فیلد» معادل فارسی «حوزه» پیشنهاد می‌شود. اما عموماً بر این نظرهستند که حوزه تنها در برخی ویژگی‌ها مانند ویژگی اولی که برای رشته برشمردیم یعنی وجود یک موضوع

* **نویسنده مسؤول:** دکتر علیرضا منجمی (دانشیار)، گروه فلسفه علم و تکنولوژی، پژوهشکده مطالعات فلسفی و تاریخی علم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی علوم انسانی تهران، تهران، ایران. monajemi.alireza@gmail.com

دکتر مینو یغمایی (استاد)، گروه زنان، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. (yaghmaeim@yahoo.com)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۱۷

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-25]
[DOI: DOI: 10.48305/22.36]

مشخص پژوهشی با رشته هم‌پوشانی دارد. به عنوان نمونه «استدلال بالینی» حوزه است چون یک موضوع مشخص و غنی پژوهشی است ولی به علت نداشتن دیگر ویژگی‌های رشته، خود رشته مجزایی نیست و شاخه‌ای از رشته «روانشناسی شناختی» قلمداد می‌شود. باید توجه داشت که گاهی حوزه از رشته گسترده‌تر است مانند مطالعات فرهنگی یا علوم شناختی، چون رشته‌های مختلفی را درگیر می‌کند.

دو مفهوم رشته و حوزه به‌طور کامل فهمیده نمی‌شوند مگر آنکه در کنار آنها دو مفهوم مولتی‌دیسیپلینری (multidisciplinary) و اینتردیسیپلینری (interdisciplinary) درک شوند. برای این دو واژه به عنوان معادل فارسی به ترتیب چندرشته‌ای و میان‌رشته‌ای پیشنهاد شده است. واژه چندرشته‌ای (مولتی‌دیسیپلینری) به عنوان رویکردی تعریف می‌شود که چند رشته را در کنار هم قرار می‌دهد. این مجاورت به تولید دانش و اطلاعات گسترده‌تر و روش‌های متنوع‌تر منجر می‌شود. ولی از آنجا که رشته‌ها همچنان مجزا و مستقل هستند عناصر رشته‌ها هویت اصلی خود را حفظ می‌کنند و ساختار موجود دانش در آنها به چالش کشیده نمی‌شود. قالب چندرشته‌ای در کنفرانس‌ها، نشریات، و پروژه‌های پژوهشی که رشته‌های متفاوت در مورد یک موضوع یا مسأله واحد در کنار هم قرار می‌گیرند مشاهده می‌شود. به عنوان نمونه وقتی در یک طرح پژوهشی، «آلودگی هوا» از منظر رشته‌های مختلف پزشکی، مهندسی مکانیک، مهندسی ترافیک، بهداشت محیط و دیگر رشته‌ها، مورد بررسی قرار می‌گیرد یک پژوهش چندرشته‌ای انجام شده است.

واژه میان‌رشته‌ای (اینتر دیسپلینری) رویکردی است که در آن رشته‌ها تنها در کنار هم قرار نمی‌گیرند بلکه مرزهای سنتی رشته‌ها از بین رفته و میان آنها تعامل رخ داده و با هم ادغام می‌شوند. نتیجه نوسازی رویکردهای موجود و ایجاد روش‌ها و مسائلی است که مختص هیچ کدام از رشته‌های اولیه نبوده است. این رویکرد را می‌توان برای حل مسائل پیچیده و چندوجهی به کار گرفت. به عنوان مثال علوم شناختی حاصل تعامل چند رشته روانشناسی، علوم اعصاب، فلسفه و علوم کامپیوتر است. بعضی از میان‌رشته‌ای‌ها در قالب حوزه و برخی دیگر در قامت رشته در آمده‌اند.

این که «آموزش پزشکی» یک رشته است یا یک حوزه میان‌رشته‌ای یکی از پرسش‌های مهم و جالب توجه برای دست‌اندرکاران آموزش پزشکی است. برخی صاحب‌نظران معتقدند آموزش پزشکی یک حوزه‌ی میان‌رشته‌ای است و برای آن عنوان «پژوهش در آموزش پزشکی» (Medical Education Research=MER) را پیشنهاد می‌کنند؛ این گروه استدلال می‌کنند رشته شدن آموزش پزشکی آن را از اهدافش دور می‌کند چرا که امکان مشارکت سایر گروه‌ها همچون معلمان بالینی، متخصصان رشته‌های مختلف علوم انسانی کاهش پیدا می‌کند. برخی دیگر هم با توجه به این که در برخی دپارتمان‌ها مدرک کارشناسی ارشد و دکترا با این عنوان اعطا می‌شود به رشته بودن آن باور دارند.

منابع برای مطالعه بیشتر:

1. Brown BC. What are Academic Disciplines? & What is the Discipline of History? plus A Quick Guide to Thinking Historically; 2016. [cited 2022 Jun 7]. available from: https://www.academia.edu/34977159/What_are_Academic_Disciplines_and_What_is_the_Discipline_of_History_plus_A_Quick_Guide_to_Thinking_Historically
2. Tight M. Higher education: discipline or field of study? .Tertiary Education and Management. 2020; 26(4): 415–428.
3. Klein JT. The Taxonomy Of Interdisciplinarity. [Cited 2022 Jun 7]. Available From: https://static.aminer.org/pdf/PDF/000/589/340/building_theory_about_it_professionals_is_a_taxonomy_or_typology.pdf

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-25]
[DOI: DOI: 10.48305/22.36]